

ملاک‌ها و معیارهای نقد و نقادی در آثار تصویرگری کتاب کودک



پایان‌نامه کارشناسی ارشد

رشته تصویرسازی / دانشگاه تهران

دانشکده هنرهای زیبا

استاد راهنما: جلال شباهنگی

استاد مشاور: مرتضی ممیز

نگارش: نوشین پژوهش

سال: ۱۳۷۴

به کوشش: مهرداد متین‌راد

زنده، شرط اساسی وجود و نشان‌دهنده زندگی اوست. حرکت یکی از اصول مهم هنر تصویرگری است و هماهنگی کامل خطوط، شکل و زمینه و فضای تصویر به آن وزنی آهنگین می‌بخشد و بدون حرکت و توازن، لذتی در بیننده ایجاد نخواهد شد.

ج) حالت: حرکت موجود زنده همیشه توأم با حالتی است که حس و اندیشه درون آن را نشان می‌دهد و نه تنها در چهره موجود در تصویر به طور جداگانه وجود دارد، بلکه در کل تصویر نیز دیده می‌شود.

د) جان‌پذیری تصویر: تصویر زنده با وزنی درونی و حرکات ظاهری چهره‌ها، حالات کلی و حالات جزئی چهره در مجموع، پدیده‌ای می‌شود که بیننده را متأثر می‌کند؛ زیرا با قدرت جذب خود سبب می‌شود بیننده حالات عاطفی خود را نیز بر این مجموعه بیفزاید.

در بخش اول رساله، در مورد انواع کتاب‌های تصویری، جایگاه آن در میان سایر وسایل ارتباطی و نقش آن در زندگی کودکان (به ویژه پیش از دبستان و سال اول دبستان) سخن به میان آمده است. در بخش دوم، درباره تصویر و عوامل سازنده آن و مشخصات تصویر، با توجه به سن مخاطب، گفت‌وگو شده است.

ویژگی‌های تصویر خوب

یک تصویر خوب، حیات و شخصیتی خاص خود دارد که بیننده را از آن طریق، مجذوب خود می‌کند و این شخصیت خاص را به عوامل سازنده خود مدیون است. این عوامل عبارتند از:

الف) حیات تصویر: یعنی تصویر سرشار از زندگی باشد. قضاوت و خوش آمدن یا بد آمدن بیننده، محصول حیات و زندگی تصویر است.

ب) حرکت تصویر: حرکت و جنبش در موجود

ه) شخصیت تصویر: یعنی تصویر برای خود و جوه مستقلی داشته باشد. تصویر اصیل نه تنها شخصیتش را به ترکیب خاص خود مدیون است، بلکه پاره‌ای از شخصیتش، شخصیت تصویرگر است.

و) خلاقیت تصویر: یعنی فقط منعکس‌کننده متن نباشد، بلکه به خواننده اجازه دهد تا کاملاً آزادانه، قدرت تخیل و خلاقیت خود را هنگام ارتباط با کلمات و تصویر به کار اندازد.

ز) رنگ و تصویر: رنگ می‌تواند راهی برای جلب توجه کودکان به کتاب باشد، اما باید این مسئله را در نظر داشت که هدف اصلی رنگ، خدمت به عنوان و وسیله‌ای رساننده است.

ح) سبک: سبک نخطی است که در خط و رنگ وجود دارد و به تصویر تمرکز می‌دهد. سبک‌های مختلفی که برای ارائه محتوای داستان به کار گرفته می‌شوند، عبارتند از: کلاس سبک، واقع‌گرایانه، تجربیدی، اکسپرسیونیستی، کوبیسم، کلاژ، امپرسیونیستی، پوآنتی‌لیسم، کارتونی، عکس و هنر ملی و قوی. یافتن سبک مناسب، به عواملی بستگی دارد؛ چون محتوا، حالت، سن مخاطب، شناخت هنرمند از خواننده، شخصیت هنرمند، ذوق خلاق و وسیله به کار گرفته شده و مهارت هنرمند در به کارگیری تکنیک و وسیله.

چون قصد اولیه یک تصویر منعکس کردن، تعبیر کردن و بسط دادن متن کتاب است، چند سؤال در این ارتباط مطرح می‌شود: ۱- تا چه اندازه با موضوع داستان مناسب است؟ ۲- هنرمند تا چه حد به طور مؤثر از آن استفاده کرده است؟ ۳- آیا مصور، به علت مد روز از سبکی تقلید کرده یا انتخاب سبک، به طور طبیعی صورت گرفته است؟ ۴- آیا سبک نقاشی، با موضوع کتاب و قدرت درک کودک تناسب دارد؟ ۵- آیا سبک انتخاب شده برای تصویر، با امکانات چاپی تناسب دارد؟

توجه به سن مخاطب

توقع بیننده از تصویر، این است که توسط تصویر جذب شود. این موضوع در مورد کودکان و نوجوانان و در نظر گرفتن سن مخاطب، بسیار با اهمیت است. در واقع، تصویر برای هر سنی، باید با رشد ذهنی او تناسب داشته باشد. تقسیم‌بندی زیر، می‌تواند در این زمینه، راهگشا باشد:

۱- کودکان ۱ تا ۳ ساله: تصویر بسیار آسان و تا حد امکان بزرگ طراحی شود. از ریزه‌کاری و بافت‌های مینیاتوری پرهیز شود، زاویه دید تصویر بسیار واضح و معمولی باشد تا کودک خیلی سریع به موضوع پی ببرد. تصویر پرسبکتیو ساده‌ای داشته باشد. اجزای تصویر در ارتباط با کل آن هماهنگ و متعادل باشد. در اندازه‌های منطقی و معتدل طراحی شود، نه اینکه مانند نقاشی کودکان، سر و کله و دست و پا خیلی بزرگ یا کوچک و نامتناسب تصویر گردد.

حتی‌الامکان از غلو تصویری که گاه باعث آثار وحشت کودک می‌شود، باید دوری جست. تصویر نباید چیزی را ارائه دهد که توجیه ناپذیر باشد، یعنی بزرگترها هم از پس توضیح آن برنیایند. ارتباط تصاویر نباید به گونه‌ای باشد که موجب تناقضات و تضادهای عاطفی در بیننده شود. به همین ترتیب، از تضادهای شدید رنگی باید پرهیز کرد. تصویر نباید دارای نورهای گیج‌کننده و توهم‌انگیز باشد و به هیچ وجه، کودک را نگران و وحشت‌زده یا افسرده‌خاطر نکند. تصاویرها کاملاً معانی مثبت و امیدبخش و سازنده داشته باشند و کودک را منتظر و در هیجان نگاه ندارند و در آخر، تصاویر باید جای آزاد برای تنفس چشم باقی بگذارد و نسبت به نوشته‌های کتاب بیشتر باشد؛ طوری که همه صفحات کتاب، تصویر داشته باشد.

۲- کودکان ۴ تا ۶ ساله: تصویرها در عین واقعگرایی، از تخیل‌های شیرین بی‌بهره نباشند.

باشند، ولی باز هم وجود ریز نقش‌ها ضروری است؛ به طوری که کودک، کمی هم در انتظار تصویر بماند.

۱۰ تا ۱۲ ساله: تصویر باید کودک را به فکر بیندازد، الهام‌بخش و خلاق باشد و کودک را به رویاهایی با انگیزه سودمند رهنمون شود. پیچیدگی‌های تصویر می‌تواند بیشتر شود، متن و تصویر هر دو باید در راه پیشبرد هنر و اصول هنری بصری و نوشتاری گام بردارند. کتاب‌های علمی برای این سنین هم می‌تواند تصاویری خلاق زیبا و جذاب داشته باشد. ضرورتی ندارد که خیلی رسمی و خشک باشند. بنابراین، از همه رنگ‌ها و ترکیبات آن می‌توان استفاده کرد. بهتر است از زوایای دید متنوعی در تصویر استفاده شود تا کودک را به تفکر و جست‌وجو وادارد. تضاد و تناقض تصویری و موضوعی، در این سن، لازمه تفکر و تخیل کودک است. در این سنین، کتاب به تصاویر کمتری نیاز دارد و می‌توان از راه ریزنقش‌ها، رابطه تصویری را در کل کتاب حفظ کرد. هنوز نمی‌توان تصاویر تک رنگ یا تصاویری را در نواهای رنگی واحد ارائه داد، اینکه گروهی از مصوران می‌پندارند برای این گروه سنی فقط سیاه قلم مداد سیاه مناسب و کافی است، اشتباه است. کودک ده، یازده ساله با رنگ می‌اندیشد و با آن زندگی می‌کند و در نهایت متن و تصویر، هر دو باید شخصیت و بدعت خاص خود را داشته باشد و همچنان، بر تازگی و نو بودن آنها تأکید شود.

نوجوانان: کتاب‌های داستانی مخصوص نوجوانان کلاً احتیاجی به تصویر ندارد، اما گاه طبق ضرورت، به تعداد کم می‌تواند به کار رود. در کتاب‌های علمی این گروه، تصویر نقش مهمی دارد و زوایای تصویر، متنوع و با پیچیدگی زیاد و معمولاً سیاه و سفید یا تک رنگ است و از بافت‌های ریز و سیاه قلم استفاده می‌شود. استفاده از عکاسی نیز در کتاب‌های این سنین دیده می‌شود.

ساده و آسان و تازه و متنوع باشند. تصاویر شخصیت خاص خود را نمایش دهند که این کار، از راه استفاده از سبک‌ها و مواد متنوع حاصل می‌شود. در صورت لزوم و استفاده از تک رنگ در تصاویر، بهتر است رنگ‌های تیره و بیروح به کار گرفته نشود. از رنگ‌های ملایم، لغزنده، شاد، سبک و نرم استفاده شود، نه از رنگ‌هایی با تضاد شدید یا بسیار ضخیم و سخت. در حد امکان، از طیف‌های مختلف یک رنگ استفاده شود. در تمام صفحات، تصویر وجود داشته باشد. گاه می‌توان از نصف صفحه یا ریز نقش‌ها استفاده کرد. در هر حال، کودک بیشتر از تصاویر دو صفحه‌ای لذت می‌برد. مشخصات تربیتی، آموزشی و روان‌شناختی مربوط به این سنین باید مورد توجه قرار گیرد. تصویر به تدریج و به آرامی کودک را به سوی آشنایی با شکل کلمات و اعداد هدایت کند. تصویر می‌تواند فضاهای بیشتری از صفحه را اشغال کند، اما به هر حال، باز هم فضای آزاد لازم را حفظ کند. تا حدی می‌توان از غلو تصویری که آزار دهنده هم نباشد، استفاده کرد و سرانجام، از ریزه‌کاری باید خودداری شود، اما گاه می‌توان از ریز نقش‌ها هم استفاده کرد.

۷ تا ۹ ساله: تصویر باید فراتر از موضوع حرکت کند، ضمن اینکه کاملاً در خدمت موضوع نیز باشد. استفاده از تضاد و تناقض در مجموعه رنگی، ابعاد تصویری و اجزای آن و نیز در موضوع، در این مقطع سنی، قابل قبول است. غلو تصویری نیز با رعایت اصول تربیتی و اخلاقی، جایز است. پیچیدگی تصاویر در حد مورد نیاز در کار دیده شود و البته، چیزی بر تصویر بیفزاید. تازگی و ابداع و وجود شخصیت خاص تصویرگر در کارها ضروری است. رنگ‌ها به تدریج عمیق‌تر شوند و تعداد و انواع ترکیبات آن بیشتر شود و به طور کلی، از سادگی و یکنواختی بیرون آید. تصاویر می‌توانند یک صفحه در میان

اصول هنری و قواعد زیبایی‌شناسی، به طور کامل باید در تصاویر رعایت شود.

بخش سوم، در مورد مصورسازی کتاب کودکان است که شامل اهداف و رسالت تصویرگری کتاب کودک و نوجوان، مسایل مصور و نویسنده، آنچه یک مصور خوب باید داشته باشد و عواملی که در کار مصور تأثیر می‌گذارند، می‌شود.

محدودیت‌های تصویرگر

تصویرگر در کار خود، با محدودیت‌هایی روبه‌روست: انگیزه ذهنی - عاطفی یک تصویرگر، تابع انگیزه و احساس نویسنده است. تصویرگر موظف است تا در خدمت اندیشه نویسنده قرار گیرد و پیرو او باشد. تصویرگر در کار خود، از قطع کتاب و صفحه‌بندی آن متابعت می‌کند. روش چاپ، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، تصویرگر را در کار خود محدود می‌کند. تصویرگر می‌تواند تنها از ابزارها و سبک‌ها و تکنیک‌های خاصی استفاده کند که از طریق چاپ قابل انتقال باشند. تصویرگر باید سن و ویژگی‌های خاص مخاطبان خود را در نظر گیرد. تصویرگر همواره با مسایل اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی درگیر است و تصاویر یک تصویرگر، در بیشتر موارد، بر اساس نمونه چاپ شده سنجیده و داوری می‌شوند.

ویژگی‌های یک تصویرگر موفق

آنچه یک مصور خوب باید دارا باشد، عبارتند از: آشنایی با اهداف تصویرگری، آشنایی با مشخصات تصویر، آشنایی با روان‌شناسی کودک و روان‌شناسی عمومی، داشتن عاطفه و علاقه منطقی و عمیق و اصولی به کودکان، احساس مسئولیت نسبت به کودکان و زندگی آنها، آشنایی با مراحل رشد کودک و ویژگی‌های هر سن، آشنایی با ادبیات کودکان و مطالعه مستمر در این باب،

آشنایی با احساسات کودکان، آرزوها، خواسته‌ها و رویاهای آنها، وجدان بیدار و آگاه، خوش‌بینی واقع‌گرایانه نسبت به آینده انسان، آشنایی با آثار خوب تصویرگری در داخل و خارج از کشور، علاقه واقعی به تصویرسازی برای کودکان، آشنایی با فرهنگ بومی، ملی، اخلاقی، تصویری و ادبی سرزمین خود. آشنایی لازم و کافی با هنر نقاشی، طراحی و گرافیک، آشنایی به رنگ و اصول طراحی و شناخت آثار رنگ‌ها و خطوط مختلف برای کودکان و انواع سبک‌ها و مهارت در اجرای آن در جای متناسب با متن، درک دقیق موضوع و نتیجه‌متنی که مصور می‌کند و علاقه به آن، همراهی با نویسنده، تخیل قوی و مثبت، مهارت و تمرکز در کار، جست‌وجو برای بدعت در کار، قدرت و تصویرگری متناسب با نوشته، در نظر نگرفتن مسایل مادی به عنوان اصل اول و فهم در کار، حفظ حرمت آزادی و اصول اخلاقی و آگاهی بر امکانات چاپ.

بخش چهارم رساله، در مورد ضعف تصویرگری کتاب‌های کودکان و نوجوانان در ایران، نگاشته شده است. ضعف‌های مذکور شامل این موارد هستند: ضعف در طراحی، بی‌توجهی به گروه سنی مخاطب، عدم وجود خلاقیت، ابداع و ابتکار، ترکیب‌بندی نامناسب و ناهمگون با متن، ناتوانی در ایجاد روحیه نشاط در کودکان، استفاده مکرر از تکنیک‌هایی خاص به این منظور که مصور زودتر شخصیت خود را در کارها تثبیت می‌کند. دست و پا بسته در اختیار متن بودن، بدون اضافه کردن چیزی به متن برای رشد خلاقیت کودک. کمبود متن‌هایی غنی و پذیرفتن متن‌های ضعیف. نداشتن عشق، پشتکار و تفکر در کار. ناآشنایی با روان‌شناسی کودک، استفاده از وسایل عجیب و غریب و انواع تکنیک‌ها برای خلاق نمایاندن تصویر، بدون توجه به متناسب بودن تکنیک با متن و مفهوم داستان و انتقال مضمون، نشناختن

ملاک‌های ارزیابی تصاویر

تعیین ملاک‌های ثابت برای ارزیابی تصاویر کتاب‌های کودکان، کاری دشوار می‌نماید، اما می‌توان با توجه به آنچه در باب تصویر، تصویرگری و اهداف این دو می‌دانیم، به بررسی کتاب کودک پرداخته، با طرح سؤالاتی مبتنی بر دانسته‌های بالا، به نقد و بررسی یک اثر تصویری بپردازیم و معیارهایی را برای این بررسی تعیین کنیم. در ذیل سؤال‌هایی طرح شده است که می‌تواند بیننده را در قضاوت یک اثر تصویرسازی کتاب کودک یاری دهد. در اینجا فرض بر این است که متن کتاب تصویری متنی قابل قبول می‌باشد. سؤال‌ها از این قرارند:

آیا تصویر مورد نظر ما از جذابیت کافی برخوردار است تا بیننده را بر خود متمرکز کند؟ این جذابیت به چه دلیلی است؟ آیا تصاویر با حدود سنی مخاطبان خود متناسب است؟ آیا طراحی تصویر با قدرت و ماهرانه و از سویی، ساده و روان است یا به سختی و خشک و بیروح خلق شده است؟ آیا خطوط طراحی به متن داستان نزدیک است و یا آن سختی دارد؟ آیا طراحی تصاویر توانسته است حالت و حرکت موجود در متن داستان را به خوبی نشان دهد؟ آیا طراحی شخصیت‌ها ضعیف است و یا تمامی حالات و حرکات آنها روان و متناسب با متن طراحی شده است؟ آیا شخصیت‌های خلق شده با آنچه از متن درک می‌شود، همخوانی دارند؟ آیا طراحی شخصیت‌ها در طول داستان، یکسان و یکدست است یا در جاهایی قابل تشخیص نیست؟ آیا شخصیت‌ها در ذهن بیننده خواهند ماند، یعنی از نوعی بدعت و ابتکار برخوردار است یا خیلی معمولی و تقلیدی است؟ آیا فضای تصاویر، همان حال و هوای داستان را القا می‌کنند؟ چه ابتکار و خلاقیتی در خلق فضای تصویری صورت گرفته است؟ اگر داستان مربوط به منطقه خاصی

تفاوت‌های نقاشی و تصویرگری، اسیر کارهای نمایشی شدن و در نتیجه، در جازدن در یک تکنیک خاص و روش طراحی. فرار از به تصویر کشیدن صحنه‌هایی که حرکت دارند، به دلیل ناآشنایی با اصول طراحی و حرکت بدن. تقلید کورکورانه از کارهای خوب و موفق تصویرسازی و در نتیجه، از بین رفتن هویت اصلی کارها، عدم شناخت عملی و حرفه‌ای از کار تصویرگری کتاب‌های کودکان و نوجوانان. کمبود مطالعه و شرکت نکردن در نمایشگاه‌های مختلف. کم بودن ناشران آگاه برای سفارش کار به مصوری خوب و توانا. تحمیل نکاتی از طرف ناشر به تصویرگر. ناآشنایی مصوران با صنعت چاپ. عدم حمایت از تصویرگران از نظر مالی و حرفه‌ای. کمبود نقد هنری آثار تصویرگری و عدم وجود ضوابط روشن خصوصاً در دانشکده هنر. قضاوت‌های بدون معیار مشخص و ناصحیح. کمبود کتاب‌های خوب تصویرگری. عدم وجود ارتباطات بین مصوران ایران با کشورهای پیشرو در این زمینه. تدریس نکردن تصویرگری به طور جداگانه در دانشکده هنر. نبودن دروسی در باب ادبیات کودکان برای دانشجویان تصویرسازی و سرانجام، ناآشنایی والدین با کتاب‌های خوب تصویری.

در بخش پنجم، ملاک‌های ارزیابی کتاب‌های کودکان و نوجوانان و نمونه‌هایی از کتاب‌های منتشر شده، بررسی و نقد شده‌اند که دو نمونه از آن در این چکیده می‌آید. بخش ششم، مصاحبه با تنی چند از تصویرگران کتاب کودک را در بر دارد که برای رعایت اختصار، فقط به آوردن نام افراد بسنده می‌شود که عبارتند از خانم‌ها و آقایان کریم نصر، پرویز کلانتری، محمدرضا دادگر، اکبر نیکان‌پور، نسرین خسروی، نیره نقوی، سوسن طاق‌دیس (نویسنده) و نادر ابراهیمی (نویسنده).

می‌شود. آیا تصاویر توانسته‌اند ویژگی‌های آن منطقه را به درستی نمایش دهند یا از روی ذهنیات و به طور فرضی تصویر شده‌اند؟ آیا تصاویر زنده و پر تحرک هستند یا تنها مانند یک عکس، بی‌جان و شخصیت‌های آن خشک و کلیشه‌ای است؟ آیا مصور توانسته است هویت ملی خود را در تصاویر نشان دهد؟ آیا تصاویر چیزی به متن افزوده‌اند یا تنها کپی دقیق متن هستند؟ در صورتی که تصاویر از متن هم فراتر رفته‌اند، آیا به متن صدمه‌ای نزده‌اند؟ آیا این تخیل با حد سنی کودک مخاطب همخوانی دارد یا در سطحی بالاتر است؟ آیا در تصاویر تنها به زیبایی ظاهری توجه شده است؟ آیا از تصاویر تنها به عنوان یک تزئین استفاده شده است؟ اگر تصاویر یک متن تزئینی هستند، آیا در بهتر کردن کتاب مؤثر بوده‌اند؟ آیا دلیلی برای تزئینی بودن آنها نیست؟ نحوه ارتباط تصاویر در صفحات کتاب چگونه است؟ اگر تصاویر در تمام دو صفحه روبه‌رو، از کتاب گسترش یافته‌اند، آیا به زیبایی مفهوم و متن کمک کرده‌اند؟ اگر تصاویر در کادرهای مشخصی طراحی شده‌اند؟ آیا تصاویر در سراسر کتاب، با قدرت و زیبا هستند یا در بعضی نقاط دچار ضعف شده‌اند؟ رنگ چگونه به کار گرفته شده است آیا تنها سطحی است و از رنگ‌های شاد استفاده شده و یا متناسب با متن و بجا به کار رفته است؟ فضاهای رنگی به مفهوم داستان کمک می‌کنند یا نه؟ آیا رنگ‌ها توانسته‌اند مفهومی را به متن اضافه کنند و بر زیبایی آن بیفزایند؟ آیا رنگ‌ها و نحوه به کارگیری آنها نشان‌دهنده مهارت مصور است یا بیاتگر ضعف او در این قسمت است؟ آیا تصاویر داستان (طراحی شخصیت‌ها، فضاها، ...) ترسناک و وحشت‌آورند و یا روح کودک را لطیف می‌سازند؟ آیا مناسب‌ترین بخش متن به تصویر درآمده و یا هر خطی از متن دارای یک تصویر بی‌معنی و اضافی است؟ آیا تصاویر می‌توانند جدا از متن

داستان، کودک را به دنبال خود بکشند؟ آیا تصاویر می‌توانند کودک را به نقاشی و سایر کارهای هنری تشویق کنند؟ مصور از چه سبکی در کار خود بهره جسته و چه تکنیکی به کار گرفته است؟ آیا از عهده انجام آن برآمده؟ آیا تکنیک به کار رفته در تصویرسازی، متناسب با نوع طراحی و متن داستان است؟ سبک او در تصویرسازی چگونه است؟ آیا سبک مورد نظر توسط مخاطبان او درک می‌شود؟ آیا سبک و تکنیک به کار گرفته شده، به بیان بهتر مفهوم داستان کمک کرده است؟ آیا مصور با توجه به سابقه خود، توانسته است در کارهای مختلفی که ارائه می‌دهد، تنوع ایجاد کند یا تنها خود را به یک سبک و یک تکنیک در تصویرسازی محدود کرده است؟ چه عاملی در کار این مصور وجود دارد که کار او را از دیگران متمایز می‌سازد؟ مصور در کار خود چگونه هویت ملی خود را نمایش داده است؟ آیا متناسب است یا تنها سطحی و ظاهری است؟ آیا میان طرح روی جلد، صفحات اول کتاب، تصاویر کتاب و صفحات پایانی، ارتباطی مناسب وجود دارد؟ چگونه این ارتباط برقرار شده است؟ آیا کتاب را زیباتر ساخته است یا نه؟ آیا قطع صفحات کتاب، با موضوع داستان متناسب است؟ آیا حروفچینی و تصاویر، به خوبی کنار هم جا افتاده‌اند؟ اندازه حروف با توجه به سن مخاطب و نوع تصاویر (از لحاظ درشتی و ریزی) همخوان است یا نه؟ آیا در صفحه‌آرایی و حروفچینی، ابداع و ابتکاری صورت گرفته یا معمولی و خسته‌کننده است؟ آیا نوع چاپ، کاغذ و صحافی کتاب مرغوب است یا به کتاب لطمه وارد کرده است؟ در صورتی که کتابی در گروه کتاب‌های داستان نباشد و مثلاً آموزشی باشد، آیا تصاویر در خدمت مطالب آموزشی قرار گرفته‌اند؟ آیا مستند، دقیق و معرفی‌کننده متن آموزشی هستند یا نه؟

برای ارزیابی تصاویر یک کتاب، بهتر است ابتدا آن را به عنوان یک اثر هنری بررسی کرده،

معمولی، پیش پا افتاده و ساده‌انگارانه است. در حالی که مضمون داستان، نه فضای غم‌زده و تاریک و سردی را القا می‌کند و نه به نازیبایی و بداخلاق بودن حیوانات اشاره دارد.

ضمناً در اکثر تصاویر، به دلیل ضعف در طراحی صحیح اندام حیوانات، سعی شده است تا نیمی از بدن آنها (به ویژه آهوبره که هیچ شباهتی به آهوبره ندارد) در پشت درختان و علف‌ها استتار گردد (به تصاویر ارائه شده از آهو و قورباغه دقت کنید).

تداوم تصویر و حفظ حالت چهره حیواناتی مثل آهو نیز در سراسر تصاویر داستان رعایت نشده است و در هر جایی، شکل و هیبتی جدید نمایان می‌شود. عدم توجه، دقت، وسواس، تعهد و مسئولیت قضاوت‌کنندگان در انتخاب آثار، نه تنها سبب نشر کتاب‌هایی با تصاویری این چنینی می‌شود، بلکه به متن داستان که حاصل تلاش صادقانه فرد دیگری است، لطمه می‌زند.

کتاب دوم

نام کتاب: قالیچه بوته‌گلی، نویسنده: محمدرضا یوسفی، تصویرگر: اکبر نیکان‌پور، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان داستان از این قرار است که جیران قالیبافی، چهار تا از دخترهایش را شوهر داده و فقط یکی از آنها یعنی بته‌گلی در خانه است که علاقه زیادی به یاد گرفتن قالیبافی و کمک به مادر را دارد. این در حالی است که ننه جیران، بیشتر راغب است که او درس بخواند و معلم شود. در این میان، عروسک‌های بته‌گلی، به او کمک می‌کنند تا قالی‌بافی یاد بگیرد و...

داستان بته‌گلی، حاوی تخیلات شیرین یک کودک است که به آرامی در کل قصه گسترش می‌یابد و جای کار زیادی برای مصور در بردارد. اولین چیزی که در تصاویر این کتاب به چشم

اصالت و شخصیت هنری آن را مشخص سازیم و پس از نمایاندن خلاقیت رنگ، القای مفهوم و ویژگی قومی و ملی آن، به ارتباط میان ظاهر و باطن کتاب بپردازیم.

برای نمونه، در اینجا نقد دو اثر آورده می‌شود: عنوان کتاب: هر کاری راهی دارد، نویسنده: مینو امیرقاسمی، تصویرگر: پرویز محلاتی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

متن داستان آهو، کلاغ و قورباغه‌ای را نشان می‌دهد که نمی‌توانند گردویی را که یافته‌اند، بشکنند. تصاویر این کتاب، سرسری و سطحی است و هیچ‌گونه پشتوانه منطقی ندارند؛ چرا که از نظر طراحی، بسیار ضعیف است و در ارائه اندام و چهره حیوانات، نه دقتی صورت گرفته و نه زحمتی. به طور کلی، طراحی تصاویر، با اینکه در ظاهر واقع‌گرایانه است، اما حقیقتاً نه واقعی است و نه خلاقانه، بلکه ضعیف، زشت و سهل‌انگارانه است. چنین تصویری عملاً فاقد طراحی است. طراحی، به معنای نقاشی صحیح اندام انسان و حیوان مورد نظر نیست، آنچه طراحی نامیده می‌شود، نحوه به کارگیری خطوط و سطوح در کنار هم است که واجد خلاقیت، شخصیت و ویژگی‌های مخصوص به خود بوده، مفهوم دقیق متن یا موضوع، حالت و حیات و حرکت آن را به خوبی نمایش دهد. به عنوان مثال (کلاغ، در کتاب (کلاغ‌ها) با تصاویر نورالدین زرین‌کلک، طراحی مورد قبول و مؤثری دارد. در صورتی که مقایسه این تصویر با تصاویر کلاغ در کتاب حاضر، تفاوت میان نوع طراحی و مفهوم آن را بیشتر روشن می‌کند. از دیگر ضعف‌های تصویری این کتاب، فضاهای وهم‌انگیز و ترس‌آور، رنگهای بسیار سرد و نجسب، تیرگی معنای آن، تکنیک ضعیف، تکراری بودن صحنه‌های جنگل که همه شبیه به هم شده‌اند، زشتی و نفرت‌انگیز بودن چهره و اندام حیوانات و ترکیب‌بندی‌های یکنواخت و بسیار

می‌خورد سادگی، صمیمیت، و گرمی تصاویر است که با کادرهای نرم و مربع و نامنظم و پیش زمینه‌ای سفید و خاکستری و خطوط رنگی و طرح‌های ظریف خطی، احاطه شده است. در نتیجه، تصاویر در یک صفحه کاملاً جا افتاده و بیننده را به ریزه‌کاری‌ها جلب می‌کند. استفاده از کادرهای بسته در این تصاویر که با محیط خانه‌ای که همه اتفاقات روز و شب در آن رخ می‌دهد، همخوانی دارد، حاکی از ارتباط نزدیک فضای متن و تصویر است.

طراحی چهره و اندام شخصیت‌ها، دوست داشتنی است و ارتباط عاطفی لازم را با مخاطب برقرار می‌کند. با اینکه حالات و حرکات آنها بسیار ساده طراحی شده، اما کاملاً مشخص و گویاست. رنگ‌ها با تیرگی و روشنی حساب شده و جذابی در کنار هم قرار گرفته‌اند؛ به طوری که درخشش خاصی را به نقاط اصلی تصویر می‌بخشند.

این رنگ‌آمیزی، به هیچ وجه سطحی و بدون منطق نیست و عمیق و به جا به کار رفته و علی‌رغم استفاده از رنگ‌های تیره، فضاهای روشن، شفاف، درخشان و گرمی را به وجود آورده است و این تنها به دلیل به کارگیری مناسب و هماهنگ رنگی است که در عین حال، ارتباط زیادی با فضای داستان پیدا می‌کند.

با اینکه شخصیت‌های اصلی و اشیای مهم داستان، فقط بته‌گلی و عروسک‌ها و ننه جیران و

دار قالی است، اما تنوع در ترکیب‌بندی‌ها و رنگ‌بندی متفاوت هر تصویر از دیگری، آن را خسته کننده نمی‌سازد. از ویژگی‌های مهم این تصاویر، اول از همه، راحتی در خلق شخصیت‌ها و قضاوت‌هاست که به وضوح مشاهده می‌شود. دوم، ارتباط میان تصاویر سراسر کتاب از طریق گسترش فضاهای مشترک است که در عین حال، متنوع هم هستند، سوم، نزدیکی تصاویر و محتوا و مفهوم آنها به مضامین و حال و هوای متن داستان و سر آخر، افزودن هر آنچه به زیبایی و جذابیت تصویر، چه از نظر طراحی و چه از نظر رنگی کمک می‌کند. است.

در اینجا باز هم به مسئله محدودیت رنگی برای سنین مختلف می‌رسیم که اعمال چنین نظری در کار مصورسازی کتاب‌های کودکان و نوجوانان، به هیچ وجه قابل قبول به نظر نمی‌رسد. فضاهای رنگی مختلف و متنوعی که از تمامی رنگ‌ها با ترکیبات مناسب به دست می‌آید و به ارتباط هر چه بیشتر متن و تصویر کمک می‌کند، نه تنها برای کودکان خردسال، بلکه برای سنین بالاتر هم کارایی موفقیت‌آمیزی به همراه دارد و قاعدتاً تنها استفاده از رنگ‌های ساده و کاملاً شاد برای خردسالان و عمیق‌تر شدن رنگ‌ها، همراه با کاربرد وسیع‌تر انواع آنها برای سنین بالاتر، منطقی به نظر نمی‌رسد.